



در پی انتشار مطلبی درباره نفاق «ابوموسی اشعری» در روزنامه «وطن امروز»، برخی رسانه‌های معلوم‌الحال و شبکه‌های وهابی تندرو که همواره از هر سوزهای جهت برهم زدن وحدت امت اسلامی و ایجاد اختلاف و شکاف بین مسلمین استفاده کرده‌اند مثل همیشه با فضاسازی‌هایی که تازگی ندارد، به دنبال القای این مساله هستند که این توهین به مقدسات سایر مذاهب است! متأسفانه بعضی افراد بی‌خبر که گاهی از روی سادگی برخی مطالب این رسانه‌ها روی آنان تاثیر می‌گذارد نیز موضع‌گیری‌هایی داشتند که لازم است برای این افراد مقداری روشنگری شود. در این‌باره باید دقت شود که نخستین‌بار امیرالمومنین علی‌علیه‌السلام بر بالای منبر کوفه عبارت «منافق بن کافر» را

چرا رسانه‌های وهابی کلام امیرالمؤمنین^(ع) را مورد حمله قرار دادند؟

ابوموسی اشعری در احادیث اهل سنت

- سیدمحمد حسینی*

گذاشت.^(۱) و در جای دیگر از همین کتاب خود می‌گوید: ابوموسی اشعری از امیرالمومنین غضبناک بود.^(۲) از همین عبارت علمای اهل سنت نیز می‌توان به این مطلب پی برد که ابوموسی اشعری منافق بوده است، چرا که در صحیح مسلم که از معتبرترین کتب روایی اهل سنت به شمار می‌رود آمده است جز منافق، بغض امیرالمومنین را در دل ندارد!^(۳) اینها تنها بخشی از حقایق صدر اسلام است که به کرات در کتب عزیزان اهل سنت یافت می‌شود و اگر اکنون شیعیان از ابوموسی اشعری به عنوان منافق یاد می‌کنند این سخن منحصر در شیعیان و کتب شیعه نیست. البته توجه به این نکته نیز لازم است که مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه هجدهم اردیبهشت سال ۷۷ به داستانی اشاره می‌کند که در آن ابوموسی اشعری در سخنرانی خود، مردم را به جهاد پیاده تشویق می‌کرد در حالی که خود ابوموسی چهار مرکب تهیه کرده بود و زمانی که مردم به این کارش اعتراض کردند، آنها را مورد ضرب و شستم قرار داد.^(۴) طرح این داستان در خطبه‌های نماز جمعه نیز گواه این مساله است که باید با درس عبرت قرار دادن حوادث صدر اسلام راه صحیح را به مردم نشان داد و طرح مساله‌ای که از قطعیات تاریخ اسلام است نمی‌تواند منجر به از بین رفتن وحدت بین شیعه و اهل سنت شود. در آخر نباید فراموش کرد رسانه‌هایی که به دنبال فضاسازی با استناد به مواردی مانند موارد فوق هستند، همان‌هایی هستند که با تحریف عنوان

بن مسعود و ابوموسی اشعری وارد شدند. حذیفه گفت: یکی از این دو نفر منافق است، سپس گفت ابن‌مسعود شبیه‌ترین مردم در راه رفتن و سخن گفتن به رسول خدا است!^(۵) با توجه به این روایت از حضرت حذیفه که بر اساس روایات اهل سنت صاحب سر نبی مکرم اسلام بوده است مشخص می‌شود که نفاق ابوموسی اشعری برای سایر اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، مسلم بوده است و حتی برخی مخالفان، راویان این روایت را مورد اعتماد دانسته‌اند.^(۶) همچنین در روایاتی که اهل سنت از حضرت عمار نقل کرده‌اند ایشان در پاسخ به اعتراض ابوموسی اشعری، متذکر لعن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در حق ابوموسی اشعری می‌شود که این روایت نیز در کتب متعدد اهل سنت آمده است.^(۷) این روایات در کتب عامه به قدری واضح است که حسن بن فرحان المالکی که از علمای سعودی است اقرار می‌کند امیرالمومنین و حذیفه، ابوموسی اشعری را منافق می‌دانسته‌اند. پس واضح است ابوموسی اشعری بر اساس روایات اهل سنت هم مورد نفرین نبی مکرم اسلام قرار گرفته است و هم صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، او را منافق می‌دانستند. درباره انحرافات او از امیرالمومنین علی علیه‌السلام نیز باید گفت این مساله از بدیهیات تاریخ اسلام به شمار می‌رود تا جایی که «ابن عبدالبر قرطبی» که از علمای نامی اهل سنت است در کتاب «الاستیعاب» خود در ذیل معرفی او می‌نویسد: ابوموسی اشعری از امام علی منحرف بود، زیرا او را عزل کرد و کنار

تفاوت‌های نمایندگی مجلس و وکالت از منظر حقوقی

در حالی که در نمایندگی سازوکار نظارت وجود دارد اما طریق عزل در هر زمان دلخواه در بیشتر کشورها پیش‌بینی نشده است. هر چند انتخاب‌کنندگان می‌توانند در دوره جدید انتخاباتی از انتخاب اشخاص فاقد صلاحیت از دیدگاه خویش خودداری کنند.

به علاوه در وکالت اصل دوره‌ای بودن وجود ندارد و وکیل می‌تواند مدت‌های مدیدی وکالت کند حال آنکه در نهاد نمایندگی در بسیاری کشورها محدودیت دوران تصدی، اصلی پیش‌بینی شده است هرچند فراگیر نباشد. مانند منع انتخاب شخص پس از ۳ دوره به جهت جایگزینی قدرت و پیشگیری از رخوت و عدم تحرک در جریانات سیاسی. سوم، عقد وکالت با اتفاقاتی مانند مرگ موکل یا مرگ وکلا باطل می‌شود حال آنکه با مرگ گروهی از مردم یا نمایندگان مجلس، کلیت امر نمایندگی باطل نمی‌شود.

البته این رویکرد و نگاه، گاهی سنتی است، زیرا در قانونن آیین دادرسی مدنی قید شده است که حق توکیل برای وکیل باید در وکالتنامه تصریح شود.

در اصل ۸۵ در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده سمت نمایندگی قائم به شخص است و نمایندگان نمی‌توانند وظایف و اختیارات خویش را به دیگری واگذار کنند. پنجم آنکه چنانچه موکلان بخواهند امر مورد وکالت را مستقیماً به انجام رسانند این امکان وجود دارد و دیگر اقدام وکیل ضرورتی ندارد. یعنی مورد وکالت نه توسط شخص وکیل بلکه توسط موکل و شخص اصیل صورت می‌پذیرد؛ حال آنکه می‌دانیم در نمایندگی امکان انجام موارد نمایندگی توسط مردم امکان‌پذیر نیست و مردم نمی‌توانند خودشان به امر نظارت و قانونگذاری به معنایی که در اختیار نمایندگان است بپردازند بلکه سازوکارهای نظارت مردمی یا حتی قانونگذاری مردمی متفاوت از سازوکار نمایندگی تلقی می‌شود؛ مانند قانونگذاری از طریق همه‌پرسی یا نظارت از طرق قانونی یا امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای دینی – اجتماعی.

وکالت، مفهومی در حقوق خصوصی و نمایندگی، مفهومی در حقوق عمومی تلقی می‌شود و به نظر قیاس آنها از نظر علمی صحیح نیست و یکسان‌پنداری آنها قیاسی مع‌الفرق تلقی می‌شود.

تعبیر بزرگان و مسؤولان از نمایندگی به وکالت را باید مفهومی تسامحی و دارای بار مثبت بدانیم یعنی آنکه مفهوم وکالت آن چنان دارای سابقه تاریخی و بار معنایی مثبتی است که به جهت انتقال مفهوم احقاق حقوق مردم در مجلس از این واژگان استفاده می‌شود و راه دیگر این است که این وکالت را نوعی وکالت در حقوق عمومی ببنداریم و از این جهت آن را توجیه کنیم.

«مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

بخش بزرگی از سرزمین‌هایی که امروز آسیای مرکزی خوانده می‌شوند، دارای پیشینه مشترک تاریخی با ایران هستند. به این معنی؛ قسمت‌هایی از چین، کشمیر، فلات پامیر، افغانستان، پاکستان، آسیای مرکزی و قفقاز، در حوزه تمدن ایران قرار دارند. در این میان آسیای مرکزی به عنوان منطقه‌ای که همواره در طول تاریخ بخش‌های اصلی جغرافیای ایران را تشکیل می‌داده، از تمدن و فرهنگ ایران تاثیر زیادی گرفته است. پیوندهای ایران و آسیای مرکزی امروز در برخی آداب و رسوم مشترک با ایران، حضور زبان فارسی در منطقه و اشتراکات دینی و آثار تاریخی، همطقه به چشم می‌خورد. برگزاری عید نوروز که ریشه آن به پیش از اسلام بازمی‌گردد، توسط مردم آسیای مرکزی که سنی‌مذهبند، نشان از تاریخ مشترک این منطقه با ایران دارد که بر آداب و رسوم مردم تاثیر نهاده است. همچنین زبان فارسی در آسیای مرکزی، زبانی شناخته شده

و رایج است و امروز در کشورهای افغانستان، تاجیکستان و برخی مناطق ترک‌منستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان رواج دارد. اگرچه این سوال که آسیای مرکزی چه محدوده جغرافیایی را شامل می‌شود، همواره محل بحث بوده است اما آنچه واضح است این است که به دلیل پراکندگی قومی گسترده در منطقه، نمی‌توان محدوده جغرافیایی آن را با عامل قومیت تعیین کرد. برای مثال اقوام ترک، تاجیک و مغول در سراسر منطقه زندگی می‌کنند با این حال این سرزمین واقع در مرکز آسیاست و از غرب به دریای خزر، از شرق به چین، از شمال به خط مستقیم آب‌های حوضه رودهای اورال آیرتیش و دشت‌های جنوبی روسیه و از جنوب به ایران و افغانستان محدود می‌شود. همچنین رودهای آمودریا(جیحون)، سیردریا(سیحون، زرافشان، پنج، سرخان دریا، مرغاب(مرو رود) و تجن در آسیای مرکزی جاری است و دریاچه آرال(دریای خوارزم) نیز در این محدوده قرار دارد. آسیای مرکزی در قرن‌های اولیه ظهور اسلام، ماوراءالنهر یا خراسان بزرگ نامیده می‌شد. در این دوره به همه سرزمین‌های اسلامی واقع در شرق کویر لوت وایه خراسان اطلاق می‌شد. سپس در قرون دهم و یازدهم میلادی ماوراءالنهر و فرغانه زیر سلطه قراخانیان، مغولان، چغتاییان و تیموریان قرار گرفت. از نیمه دوم سده ششم و در زمان دولت خوارزم، سلطان «غلاالدین محمد خوارزمشاه»، این منطقه را در دست داشت اما در فاصله سده نهم تا دوازدهم میلادی ترکمان‌ها و ازبک‌ها به تصرف قسمت‌هایی از آسیای مرکزی پرداختند تا اینکه در سال ۱۹۵۷ میلادی و در زمان حاکمیت شوروی واژه «آسیای میانه» به جای ترکستان و ماوراءالنهر قرار گرفت که محدوده جغرافیایی آن متفاوت از «آسیای مرکزی» بود. در حال حاضر کشورهای ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان حوزه آسیای مرکزی را تشکیل می‌دهند. با وجود فاصله پدید آمده بین قرن‌های گذشته، ایران و آسیای مرکزی از نظر فرهنگی و تاریخی اشتراکات بسیاری دارند؛ با این حال این فاصله موجب شده است نوعی وکالت در فرهنگ و تمدن مشترک خود را فراموش کنیم. نگاهی دوباره به این اشتراکات می‌تواند اهمیت آسیای مرکزی را برای تمدن ایرانی یادآوری کند. اینکه بسیاری از بزرگان علم و ادب و فرهنگ ایران چون رودکی، ناصر خسرو، خوارزمی،

روزنامه «وطن‌امروز» پیش از این نیز دست به فتنه‌انگیزی زده بودند اما بحمدالله به‌خاطر علاقه قلبی و عمیق بین شیعیان و اهل سنت در اهداف خود ناکام بوده و آن‌شاءالله ناکام خواهند بود.

پی‌نوشت:

۱- همین عبارت در شروحی که اهل سنت بر کتاب نهج‌البلاغه نگاشته‌اند نیز آمده است/ شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج یک، ص ۲۹۱
۲- عن شقیق، قال: کنا مع حذیفه جلوسا، فدخل عبدالله و أبو موسی المسجد فقال: أحدهما منافق، ثم قال: إن أشبه الناس هديا ودلا وسمتا برسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم عبدالله، ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳۹۴
۳- درباره سند این روایت شعیب الأرئوط می‌گوید: رجاله ثقات یعنی روایتش مورد اعتماد هستند
۴- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۰۸
۵- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۴۴
۶- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۸۰
۷- قال علی والذی فلق الحبه وبرأ النسمه انه لعهد النبی الامّی صلی‌الله‌علیه‌وسلم إلی أن لا یحینی الا مؤمن ولا یبغضنی الا منافق. صحیح مسلم، ج یک، ص ۶۱

http://farsikhamenei.ir/speech-8-content?id=2886
*دانشجوی دکتراى مذاهب کلامی- ارشد فقه و حقوق

آسیای مرکزی، قلمرو فرهنگ و تمدن ایران

فاریبی، بوعلی سینا و دیگران از آسیای مرکزی برخاسته‌اند، نقش این منطقه در تاریخ و تمدن ایران را نشان می‌دهد. با وجود این، نقاط اشتراکی همچون تاریخ، دین، آداب و رسوم و موارد مشابه اغلب مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه در این فرآیند مورد غفلت واقع شده است، آثار و بناهای تاریخی با مشخصه هویتی مرتبط با حوزه تمدنی ایران است. شهرهای باستانی نسلراپایتخت اشکانیان، مرو و آمل(چارجوی کنونی) در ترکمنستان، پنج‌کنت در تاجیکستان و سمرقند، بخارا، فرغانه و خویه‌در ازبکستان همگی شهرهایی با هویت ایرانی هستند که در آسیای مرکزی قرار دارند و در آنها آثار و ابنیه بسیاری با مشخصه‌های هویت ایرانی وجود دارد. آثار و ابنیه تاریخی مورد نظر ارزش تاریخی، اجتماعی، علمی و زیبایی‌شناختی دارند یا اینکه براساس عرف معمول حداقل ۱۰۰ سال از قدمت آنها گذشته است. در این تعریف مسجد، حمام،

مقبره، برج، پل، میدان، کلیسا، جاده، کتیبه و موارد دیگر را در زمره اینگونه آثار به‌شمار می‌آورند. سرزمین‌هایی که امروز به نام تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان خوانده می‌شوند، آثار و ابنیه تاریخی بسیاری دارند که همه بر گرفته از هویت تمدن ایرانی آنهاست. برخی شهرهای تاجیکستان کنونی در دوره‌هایی از تاریخ و بویژه در زمان

ساسانیان مراکز فرهنگ و تمدن ایرانی بوده و کتیبه بیستون، کتاب اوستا و تاریخ هرودت، آنها را جزو قلمرو ایران به شمار آورده‌اند. در ازبکستان ایچان‌قلعه در شهر خیوه، زیارتگاه امام غفاری در سمرقند، مقبره امام بهاءالدین نقشبندی و مناره کلان در بخارا، زیارتگاه حکیم سمرقندی در سرخان، دارالتلوه در شهر سبز و بسیاری از ساختمان‌های دیگر در قالب معماری ایرانی ساخته شده و روی بسیاری از آنها نام استادان ایرانی سازنده بنا حک شده است. همچنین پنج‌کنت در تاجیکستان، یکی از مهم‌ترین مراکز باستانی در آسیای مرکزی است که از نفوذ هنر ایرانی حکایت می‌کند. رصدخانه جخند، مقبره امیرنصر سامانی، یادبود رودکی در پنج‌کنت و مسجد دوطبقه در نزدیکی شهر دوشنبه از دیگر آثار و بناهای این منطقه به شمار می‌رود. بناهای تاریخی موجود در ۳ کشور تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان نشانه‌هایی از هویت تمدن ایرانی به شمار می‌آیند اما در حال حاضر شمار زیادی از این بناها رها و تخریب شده‌اند و بسیاری دیگر نیز در حال تخریب هستند. هرچند در این زمینه شرایط ۳ کشور متفاوت است. برای مثال اینگونه بناها در تاجیکستان به دلیل ناتوانی دولت از تخصیص بودجه برای حفظ و بازسازی، در حال نابودی‌اند اما در ازبکستان با وجود مشکلات مالی اکثر بناها با همت دولت و سرمایه‌گذاری برخی کشورها بازسازی و مرمت شده‌اند. از سوی دیگر فرآیند هویت‌سازی در ازبکستان در سال‌های اخیر شدت یافته و دولت این کشور تلاش می‌کند افراد و نمادهای هویت‌ساز موجود در درون مرزهای این کشور را بدون توجه به دوره زمانی، متعلق به خود معرفی کند. معرفی تیمور لنگ، الغ بیک، ظهیرالدین بابر و موارد دیگر به نام خود، بخشی از سیاست‌های دولت ازبکستان در این راستاست. این امر ایجاب می‌کند به شناسایی، حفاظت، بازسازی و ثبت آثار و ابنیه تاریخی حوزه تمدنی ایران در آسیای مرکزی بپردازیم.

منبع: پیوندهای تاریخی ایران و آسیای مرکزی، دکتر مهدی سنایی

یادورقی ۱۸
متن کتاب «تبه‌ری میسان»، نویسنده فرانسوی درباره حادثه ۱۱سپتامبر دروغ بزرگ
اگرچه حادثه یازدهم سپتامبر نخستین عملیات از این نوع و از ایسن گروه بود، ولی آیا آخرین آن نیز خواهد بود یا باز هم تعداد دیگری از همین افراد ناشناخته و پنهان در دل جامعه، در روز و ساعت مقرر ماموریت، ناگهان از کمین خارج شده و بر سمبل‌های تمدن غرب فرود خواهند آمد؟ روش‌های جاری و معمول تحقیقات جنایی، مواضع FBI و نتیجه‌گیری سریع و سهیل‌الحصول فوق را تایید نمی‌کند و آن را فریبی بیش نمی‌داند، بلکه در تحقیقات جنایی در حادثه‌ای به پیچیدگی یازدهم سپتامبر، باید فرضیه‌های متعددی را ترسیم کرد و هر یک را به دقت تا دریافت پاسخ روشن و قانع کننده به پیش برد. به عبارت دیگر حذف هر یک از فرضیه‌ها به اعتبار نتایج خدشه وارد می‌کند، اما فرمانده عملیات تحقیقات جنایی FBI بدون هیچ مکالمه‌ای و در اقدامی سریع احتمال خانگی بودن منشأ حادثه را منتفی دانست و بلافاصله (یک روز پس از حادثه) انگشت اشاره به طرف بن‌لادن و گروه او گرفت؛ دادستان کل نیز بر این موضع‌گیری مهر تابید زد. در این موضع‌گیری تنها مستند FBI گزارش منابع نزدیک اطلاعاتی نزدیک به بن لادن است. در شرایطی که افکار عمومی آمریکا خواهان معرفی علماان حادثه بودند، دولتمردان آمریکا نیز بلافاصله وارد عمل شدند و علی‌الحساب بن‌لادن را نامزد اصلی انجام حملات معرفی کردند. در روایت FBI هر ۴ مورد هواپیمارانی، گروه‌های ۵ نفری دخالت داشتند که درست در لحظات آخر سوار شدن به هواپیما به هم می‌پیوستند، اما در گزارش‌ها آمده بود در هواپیمایی که در پنیسولانیا سقوط کرد، فقط ۴ نفر تروریست در عملیات شرکت داشتند و FBI دلیل غیبت نفر پنجم را دستگیری او اعلام می‌کند. این گزارش می‌افزاید: نفر پنجم به نام «کرکا تسمیری» لحظاتی قبل از سوار شدن به هواپیما به دلیل همراه نداشتن برگه اقامت دستگیری می‌شود. در گزارش‌های اولیه FBI چنین آمده بود که همه تروریست‌ها در دوره‌های تمرینی و آموزشی، خود را برای عملیات انتحاری آماده کرده بودند، اما پس از دست یافتن به نوازی ویدئویی از بن لادن، چنین عنوان شد که تنها یکی از تروریست‌ها از عملیات انتحاری باخبر بود و دیگر همراهان او در لحظات آخر از نوع عملیات و انتحاری بودن آن باخبر می‌شوند؛ اما سوابق و مطالعات روان‌شناسی درباره عملیات Kamikaze نشان می‌دهد تصمیم‌گیری و اجرای این‌گونه عملیات همیشه انفرادی و شخصی بوده و جز یک مورد آخر (۱۹۷۲) همه عملیات‌های انجام شده در جنگ دوم جهانی انفرادی بوده است. در سال ۱۹۷۲، گروهی ۳ نفره تحت آموزش یکی از اعضای ارتش سرخ ژاپن (Rengo Segikun) قصد داشتند در منطقه‌ای به نام Lodd اقدام به عملیات کنند، اما پس از دریافت آموزش‌های خاص به منظور انجام هماهنگ و هم‌زمان عملیات، یکی از افراد گروه به نام (Kozo Okamoto) زنده دستگیر شد. جز این مورد، هیچ نمونه دیگری از عملیات Kamikaze تیمی که بخواهند در آخرین لحظات به هم بپیوندند گزارش نشده است. افزون بر این، سلمان رشدی در اظهارنظری شیطنت‌آمیز می‌گوید: به نظر می‌رسد اگر هواپیمارها، نگرش Kamikaze را داشتند، نمی‌توانند هم‌زمان هم کامی کاره باشند و هم بنیادگر؛ در حقیقت قرآن اجازه خودکشی به این شکل را در پیروان خود نمی‌دهد. بنیادگراهایی نظیر طالبان و وهابی‌ها، ممکن است خود را در معرض شرایطی قرار دهند که مفری جز مرگ ندارد، اما اجازه ندارند به دست خود، زمینه هلاکت خود را فراهم آورند و اقدام به خودکشی کنند. مدتی بعد، FBI اقدام به انتشار دستنوشته‌هایی به زبان عربی کرد و مدعی شد این یادداشت‌ها مربوط به گروه‌های کامی کاره یا هواپیمارایان است. ترجمه انگلیسی این یادداشت‌ها در بیشتر روزنامه‌های بین‌المللی انتشار یافت. به گفته مسؤولان FBI، ۳۰مرد از این دست نوشته‌ها در ۳ نقطه متفاوت توسط مأموران سازمان کشف شده است. نخستین یادداشت مربوط به محمد عطا بود که از داخل چمدان او پیدا شد، چمدان محمد عطا در طول سفرش گم شده بود که در نهایت به دست مأموران FBI افتاد. دومین یادداشت را از داخل اتومبیلی که در حوالی فرودگاه دالاس در کنار خیابان رها شده بود، پیدا کردند. این دستنوشته به نواف الحزیمی نسبت داده شده و سومین یادداشت را توانستند از میان بقایای پراکنده هواپیمایی که بر فراز «Township» پنیسولانیا منفرج شده بود بیابند! ادامه دارد